

مطالعه جامعه‌شناختی استفاده از فضای مجازی و تأثیر آن بر کجروی اجتماعی در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۵-۹۴

سلیمان محبی^{۱*}، حبیب ا... زنجانی^۲، باقر ساروخانی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه جامعه‌شناختی استفاده از فضای مجازی و تأثیر آن بر کجروی اجتماعی در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ با استفاده از روش تحقیق پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل همه دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم شهر کرمانشاه است که حجم نمونه آن شامل ۳۸۱ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردیده است. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. تحلیل داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین مدت زمان استفاده روزانه از فضای مجازی بین یک تا سه ساعت (۷۴/۸۰٪) و کمترین مدت زمان استفاده از فضای مجازی بیش از پنج ساعت (۱/۳۳٪)، بیشترین مدت زمان استفاده سالانه از فضای مجازی بین یک تا دو سال (۵۵/۳۸٪) و کمترین مدت زمان استفاده از فضای مجازی بیش از چهار سال (۶/۰۴٪) بوده است؛ به طوری که بیشترین نوع استفاده از فضای مجازی

ارتباطی (۵۸٪) و کمترین نوع استفاده از فضای مجازی شناختی (۹/۴۴٪) باشد. نتایج دیگر نشان داد در اولویت بندی مولفه‌های کجروی اجتماعی، میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی بیشترین مقدار و تماشای فیلم و تصاویر غیرمجاز اسلامی کمترین مقدار را داشته است و بین متغیرهای نوع استفاده و میزان استفاده از فضای مجازی و کج روی اجتماعی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: کجروی اجتماعی، فضای مجازی، نوع استفاده، میزان استفاده، دانش آموزان متوسطه دوره دوم.

مقدمه و بیان مسأله

ویژگی‌های ارتباط از طریق کامپیوتر و امکاناتی که شبکه اینترنت برای ایجاد ارتباطات فراهم می‌آورد، از یک طرف و از طرف دیگر افزایش روز افزون کاربران این شبکه و جذابیت برقراری این نوع ارتباط، همگی نشانه‌های پیدایش صورتبندی جدیدی از تعاملات اجتماعی است. فضای مجازی که به واسطه ایجاد این ارتباطات، شکل می‌گیرد، کارکردهایی دارد که به نظر می‌رسد برخی از آنان با کارکردهای فضای شهری هم همپوشانی داشته باشند که ایجاد برقراری تماس و رابطه با دیگری از آن جمله است (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۱۳). بنا بر تعریف دیوید بل^۱ (۲۰۰۱) فضای مجازی مجموعه‌ای از تعاریف نمادین را شامل می‌شود که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بیت رد و بدل می‌کنند. فضای مجازی در واقع نامی است که تعداد بی شماری از کاربران امروز فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی را دربر می‌گیرد، این نام نخستین بار در ۱۹۸۴ توسط ویلیام گیسون در رمان نورومانسر ابداع شد (هولمز، ۲۰۰۵). در کل منظور از فضای مجازی، فضایی است که به تبع وجود اینترنت ایجاد شده و شبکه‌های متعدد و مختلف اجتماعی اعم از فیس بوک تا تانگو و وایبر و ... را در بر می‌گیرد. جاذبه حضور در فضای مجازی و هیجان ایجاد شده در این فضا برای کاربران باعث شده تا خیل عظیمی از جوانان و نوجوانان به جای تعامل رو در رو با همسالان و دیگر افراد اجتماع، تعامل در فضای مجازی را برگزینند. این انتخاب به تدریج تجربه در جمع بودن و

1-David Bell

تعامل رو در رو را از کاربران گرفته و زمینه ساز تغییرات رفتاری و نگرشی در آنان می‌شود. فضای مجازی مبتنی بر اینترنت با برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فردی نظیر دسترسی آسان، سهولت استفاده، گمنامی کاربران، هزینه پایین و نبود احساس شرم در تعامل حضوری در سال‌های اخیر به یکی از پرنفوذترین و یا به بیانی به رایج‌ترین کانال ارتباطی و اطلاعاتی در بین جوانان و نوجوانان بدل شده است. با وجود آثار و خدمات بی‌بدیل و سودمند این پدیده نو ظهور ارتباطی و اطلاعاتی برای جامعه بشر، تبعات و آثار سوء و زیانباری هم به بار آمده است به عنوان مثال بر اساس یافته‌های پژوهشی منتظر قائم و شاقاسمی (۱۳۸۷)؛ هاشمی (۱۳۸۸)؛ ابراهیمی (۱۳۸۹)؛ علیزاده و ایزدی (۱۳۹۰)؛ یاسمی نژاد، آزادی و امویی (۱۳۹۰)؛ اکبری (۱۳۹۰)؛ رحیمی (۱۳۹۰)؛ عاملی و حسنی (۱۳۹۱)؛ تامپسون (۱۹۹۵)؛ یانگ (۱۹۹۸)؛ ونگ، لی و چنگ، (۲۰۰۳)؛ میلوارد براون (۲۰۰۴)؛ ینگ و تونگ، (۲۰۰۴)؛ نلوا و اناند (۲۰۰۳)؛ چک و لیونگ (۲۰۰۴)؛ چی هونگ و همکارانش (۲۰۰۵)؛ گوستا و مش (۲۰۱۲)؛ و ... اینترنت و فضای مجازی در به چالش کشاندن ارزش‌های خانواده؛ ایجاد شکاف بین فرزندان و والدینشان، تضعیف پیوندهای اجتماعی و ایجاد انزوای اجتماعی در بین کاربران، زیر پاگذاری بسیاری از ارزشهای اجتماعی، بازمانی کاربران از فعالیت‌های ارزشمند روزمره نظیر ارتباطات اجتماعی، خواب و اعتیاد به این فضا و پایین آمدن کیفیت زندگی، ایجاد گرایش به خشونت و تمایل به مباحث وقیح و کاهش ارتباط مناسب با والدین و در کل تهدید امنیت اجتماعی را سبب شده است.

از آنجا که کجروی اجتماعی را می‌توان ناهمخوانی با هنجارها یا مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که توسط تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم در اجتماع یا جامعه پذیرفته شده است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۳۰). در یک تعریف سنتی از کجرفتاری گفته می‌شود که: «هر نوع رفتاری است که با هنجارها یا مقررات گروه همخوانی نداشته باشد» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۲). بنابر تعاریف فوق، پس بسیاری از رفتارهایی که توسط نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی انجام می‌شود را می‌توان در زمره مصادیق کجروی اجتماعی قرار داد، بر همین اساس هدف اساسی این پژوهش مطالعه تأثیر استفاده از فضای مجازی بر میزان کجروی اجتماعی بین دانش آموزان دبیرستانی است تا مشخص گردد که استفاده از فضای مجازی تا چه حد در ترغیب و

گرایش دانش آموزان کاربر فضای مجازی به کجروی‌های اجتماعی موثر است؟ آیا کاربران که بیشتر در فضای مجازی هستند گرایش بیشتری به کجروی اجتماعی دارند؟

اگر این تعریف که: «هنجارها نشان دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۶)، را بپذیریم از آنجا که فضای مجازی در بسیاری از بسترهای تعامل اجتماعی، دارای هنجارهای خاص خود است پس بایدها و نبایدهای دنیا واقعی و مجازی با هم متفاوت خواهد بود. اگر چه در بعضی از بسترهای تعاملی فضای مجازی، تعامل در چارچوب هنجارهای باز تولید شده دنیای واقعی شکل می‌گیرد در واقع هنجارهای دنیای واقعی در شکل دادن به کنش‌ها و تعاملات اجتماعی دنیای مجازی نقش دارند و بالعکس در دنیای واقعی هم شاهد باز تولید هنجارهای فضای مجازی هستیم. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در دنیای مجازی کجروی محسوب نمی‌شوند به دلیل باز تولید همان رفتار در دنیای واقعی، عاملان رفتار احساس کجروی ندارند و آن را کجروی قلمداد نمی‌کنند در نتیجه بسیاری از رفتارهایی که بر مبنای هنجارهای دنیای واقعی کجروی محسوب می‌شود در دنیای مجازی کجروی محسوب نشده و طی فرایندی در دنیای واقعی باز تولید شده و زمینه ایجاد کجروی در دنیای واقعی را فراهم می‌نمایند. در واقع بر اساس نظریه دو جهانی، زندگی فرد در دو جهان مجازی و واقعی گاه فرد را از تفکیک و تمیز این دو جهان عاجز می‌سازد در نتیجه به دلیل عادت، رفتار فضای مجازی را در دنیای واقعی و بالعکس رفتار فضای واقعی را در فضای مجازی انجام می‌دهد و حاصل آن تسری برخی از هنجارهای دنیای مجازی در دنیای واقعی است که از منظر دنیای واقعی کج رفتاری محسوب می‌شود.

برای مثال، نتایج یک پژوهش (تاریوردی، ۱۳۸۳؛ به نقل از منتظر قائم و شاه قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۱) نشان می‌دهد که جوانان ایرانی در مواجهه با عقاید دینی مخالف در اتاق‌های چت، تحمل بیشتری در مقایسه با تعاملات در جهان واقعی از خود نشان می‌دهند. علاوه بر این، چت محل برابری‌هاست، با کمی چشم پوشی می‌توانیم مدعی شویم که جایگاه طرفین گفت و گو در ارتباطات مجازی برابر است. همچنین، ایرانیان به سؤالات حساسیت برانگیز در مورد روابط جنسی- در اینترنت خیلی راحت تر از فضای واقعی پاسخ می‌دهند. زمینه برقراری ارتباط در محیط مجازی نیز، به دلیل عدم حضور فیزیکی ارتباط گران این امکان را در اختیار افراد قرار

می‌دهد که شیوه خوداظهاری خود را تعیین کنند. به این ترتیب نمایش بسیاری از ویژگی‌ها که در ارتباطات کامپیوتری جاذبه ساز است می‌تواند در تعامل رودررو مردود شمرده شود (دهقان و نیکبخش، ۱۳۸۵: ۲۷). مواردی از این دست بیانگر شکل‌های ویژه هنجارهای خاص فضای مجازی است که با هنجارهای دنیای واقعی تفاوت دارند، اما به عنوان هنجارهای مختص فضای مجازی مورد استقبال و تأیید کاربران قرار می‌گیرد، هرچند که با معیارهای دنیای واقعی متفاوت باشند. در این موارد فضای متفاوت دنیای مجازی منجر به پذیرش هنجارهایی متفاوت از دنیای واقعی می‌شود. در این پژوهش هدف اساسی تعیین اثر استفاده از فضای مجازی بر کجروی اجتماعی دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه بوده و اهداف اختصاصی عبارت بودند از تعیین رابطه بین میزان و نوع استفاده از « فضای مجازی» با میزان و انواع کجروی‌های اجتماعی در بین دانش آموزان است.

فرضیه‌های تحقیق نیز عبارتند بودند از

۱- بین نوع استفاده از فضای مجازی و کجروی اجتماعی دانش آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

۲- بین میزان استفاده از فضای مجازی و کجروی اجتماعی دانش آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

تنوری‌های فضای مجازی

کنش ارتباطی

قبل از پرداختن به نظریه کنش ارتباطی هابرماس، ابتدا به حوزه عمومی مورد نظر هابرماس پرداخته می‌شود. حوزه عمومی مورد نظر هابرماس فضایی است که در آن فضا، افراد به شیوه عقلانی بتوانند به بحث پردازند و در این بحث به توافقی برسند و افراد در این محیط‌ها بتوانند به طور برابر شرکت کنند، قدرت در این بحث‌ها دخالتی ندارد، هر موضوعی بتواند در این بحث‌ها مطرح شود، در این بحث‌ها افراد بتوانند مسائل خصوصی خود را مطرح کنند، این بحث‌ها

همیشه باز است و همیشه می توان به آن رجوع کرد و درباره آن بحث کرد (پیوزی، ۱۳۷۹: ۵۲).

پس محیط اینترنت این فضا را فراهم کرده و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را تا حدودی دارا می باشد، حوزه عمومی هابرماس عرصه ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفت و گو تحقق می یابد. در فضای محیط های تعاملی اینترنت بحث «شرایط آرمانی سخن» مورد نظر هابرماس تحقق می یابد و می توان آن را بدین گونه مطرح کرد: هابرماس معتقد است که نیازهای اساسی یا اصیل معینی وجود دارد که تمامی افراد کاملاً آزاد آن ها را دارند و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد یک گفت و گوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. با توجه به این که در محیط اینترنت علی الخصوص در محیط تعاملی اینترنت افراد به راحتی می توانند نیازهای خود را مطرح کنند و این طرح نیازها باعث شکل گیری یک فضای گفت و گو و مباحثه شده و در این مباحثه افکار جدیدی شکل می گیرد، هابرماس می افزاید روابط میان گویندگان و شنودگانی که از توان ارتباط برخوردارند، موجب می شود تا یکی دیگر از کارکردهای گفتار که همان شیوه یا همان کاربرد زبان عادی تلفیق شده است وارد عمل گردد و در کاربرد توصیفی زبان هر گفتار کنش نوعی در بردارنده قول صمیمیت یا صداقتی است که با آن من گوینده احساسات، نیازها و نیت های درونیم را برای شنونده ابراز می کنم، درست در همین بعد است که گفتار شنونده را به دنیای درونی احساس ها و انگیزه های من و همین طور به ارزیابی صحت گفته های من می کشاند (پیوزی، ۱۳۷۹: ۵۲).

محیط های شبه تعاملی

محیط های شبه تعاملی، به محیط هایی می گویند که کاربر نمی تواند در آن محیط ها ارتباط دو طرفه برقرار کند، مثل انواع صفحات وب در اینترنت که جهت تأثیر این محیط ها بر ارزش های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر از تئوری های ارتباط جمعی استفاده می شود که البته ممکن است برای محیط های تعاملی نیز بکار رود (امیدوار و صارمی، ۱۳۸۱: ۸۴).

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، عاملی که باعث جلوگیری از رفتارهای انحرافی نوجوانان و جوانان می‌شود، پیوند اجتماعی است. به اعتقاد هیرشی، پیوندهای اجتماعی دارای چهار عنصر اصلی دلبستگی، تعهد، مسئولیت و اعتقاد است. ضعف هر یک از چهار عنصر در فرد می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی او شود.

الف) وابستگی: کسانی که به دیگران وابستگی و علاقه‌ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند و به همین علت بیشتر احتمال دارد که مرتکب رفتار انحرافی شوند. وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. مانند وابستگی فرزندان به والدین، اقوام نزدیک، دوستان و معلمان. ب) تعهد: بدین معنا هر چه فرد خود را به قیود اجتماعی متعهد می‌داند از قبول مخاطرات پرهیز می‌کند. به عنوان مثال هر چقدر میزان تعهد فرد نسبت به خانواده، شغل، دوستان و غیره کمتر باشد، احتمال ارتکاب رفتار انحرافی بیشتر خواهد بود.

ج) درگیری (مشغولیت): میزان مشغول بودن فرد به فعالیت‌های گوناگون است که باعث می‌شود برای کار خلاف وقت نداشته باشد کسانی که مشارکت مداوم در فعالیت‌های زندگی، کار، خانوادگی و غیره ندارند و بیکارند، فرصت بیشتری برای انحراف دارند (کوهن، ۱۳۷۸: ۲۵).

د) باور و اعتقاد: میزان اعتباری است که فرد برای معیارهای قراردادی اجتماع قایل است و باعث می‌شود در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند پای بند به آن باقی بماند. مانند باور به نیکو کاری یا حسن شهرت در بین خانواده و همالان. بنابراین اگر فردی اعتقاد قوی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی یک گروه نداشته باشد یا به این ارزش‌ها وفادار نباشد احتمال گرایش وی به رفتار انحرافی بیشتر خواهد بود (کوهن، ۱۳۷۸: ۲۶).

نظریه روان کاوی

این نظریه اعتقاد را در آسیب‌های دوره کودکی و در ارتباط با صفات شخصیتی معین با اختلالات دیگر و آمادگی‌های روانشناختی ارثی در نظر می‌گیرد. در این زمینه سو (۱۹۹۴) الگوی آمادگی-استرس را مطرح می‌کند. بعضی افراد به علت عوامل گوناگون ممکن است

آمادگی بیشتری را برای اعتیاد به یک چیز مثلاً الکل، هروئین، قماربازی، خرید کردن، بازی‌های رایانه‌ای و بالاخره اینترنت داشته باشد. اگرچه بعضی از این افراد ممکن است در تمام عمر به چیزی معتاد نشوند، اما اگر عوامل استرس‌زا در زمان معین آن‌ها را تحت فشار قرار دهد، ممکن است به اعتیاد روی بیاورند. بنابراین اگر ترکیب مناسبی از زمان، شخص و واقعه فراهم شود، فرد ممکن است به اینترنت معتاد شود (اسلوین، ۱۳۸۱: ۸۸).

نظریه رفتاری

این نظریه براساس مطالعات بی. اف. اسکینر و براساس شرطی‌سازی کنشگر تکیه دارد، که در آن شخص رفتار معینی را انجام می‌دهد و برای انجام این رفتار پاداش دریافت می‌کند و تقویت می‌شود. اگر فرد یاد بگیرد که چیزی مانند اینترنت می‌تواند برای او شرایطی فراهم کند که از واقعیت فرار کند، احتمالاً در آینده نیز به این کار مبادرت خواهد ورزید. این کار برای او عامل تقویت‌کننده خواهد بود و به صورت چرخه‌ای عمل کرده و باعث افزایش رفتار خواهد شود. براون و همکاران (۱۹۸۹) با توجه به اصول تقویت مثبت که در نظریه شرطی شدن فعال مطرح است. پس از بررسی ۲۱ بازی، به این نتیجه حاصل رسیدند که طراحان بازی‌های رایانه‌ای به اصول شرطی کردن توجه داشته‌اند و در جریان یادگیری بازی دست به تقویت و پاداش بازیگران می‌زنند (آزادارمکی و امامی، ۱۳۸۳: ۲۱).

نظریه‌های کجروی

دورکیم

دورکیم در راستای تبیین کجروی و قانون‌گریزی معتقد است، هنگامی که آرزوهای انسان با امکان تحقق آنها هماهنگ نیست، فشارها موجب رفتار انحرافی نیرومندتری می‌شوند. وی موقعیتهای گوناگون از جمله رکود ناگهانی، رونق ناگهانی و تغییرات سریع را عنوان می‌کند. مقصود او این بود که در این شرایط فرد آرزوهایی می‌کند که اگر رسیدن به آنها غیر ممکن نباشد، بسیار مشکل است. دورکیم عقیده دارد کجروی و قانون‌گریزی ناشی از رکود ناگهانی است، زیرا وضعیتهایی از قبیل دسته‌بندی‌های مجدد شکل می‌گیرد که ناگهان افرادی را در

موقعیتی پایین تر از قبل قرار می‌دهد، سپس لازم است از درخواستهای خود بکاهند و نیازهای خود را محدود کنند و یاد بگیرند که خود را بیشتر کنترل کنند، اما جامعه نمی‌تواند بی‌درنگ این افراد را با شرایط تازه سازگار کند و به آنها خودسرکوبی را بیاموزد که هنوز به آن عادت نکرده‌اند. به این ترتیب با شرایطی که بر آنها تحمیل شده است سازگار نمی‌شوند. به نظر دورکیم رونق اقتصادی هم مانند رکود اقتصادی می‌تواند پیامدهایی داشته باشد، به ویژه اگر تغییر شرایط بالندگی اقتصادی ناگهانی باشد. تصور می‌شود حالت ناگهانی این تغییرات گسترده، آرزوها را فراتر از امکان تحقق آنها می‌برد و این هم باعث می‌شود دستگاه نظم‌دهنده جامعه با مانع روبرو شود (کوزر، روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۴۵۴-۴۵۳).

مارکس

به زعم کارل مارکس بیشتر بزهکاری‌ها و رفتارهای قانون شکنانه به وسیله طبقات پایین انجام می‌شود و این نه به دلیل تمایل و علل روانشناختی مربوط به فقر و طبقات پایین است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه‌ی مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پایین و فقرا اعمال می‌شود. به زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی شدن انسان‌ها، باعث می‌شود تا افراد طبقه پایین دچار از خود بیگانگی شوند و از خود بیگانگی که به معنی احساس از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون‌گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به طور جبری انجام می‌شود. از نظر مارکس در چنین فرآیندی افراد فقیری که دچار از خود بیگانگی می‌شوند به احساس پوچی، بی‌قدرتی، بی‌زاری از خود، بی‌اعتمادی و خشونت می‌رسند که پیامد چنین وضعیتی باعث اخلاق‌زدایی و بی‌توجهی به ارزش‌های هنجار بخش جامعه می‌شود. تا جایی که افراد طبقه پایین و فقیر به انکار ارزش‌های اساسی جامعه، هنجارهای اجتماعی و استانداردهای تثبیت شده رفتار می‌پردازند (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹) زیرا جهت‌گیری قوانین و نظام وضع آن را به خود نسبت نمی‌دهند و با قوانین هنجاربخش به عنوان بیگانه برخورد می‌کنند.

رکلس

از نظر رکلس، فشار خارجی کنترل اجتماعی غیر رسمی است که یک گروه بر اعضای خود وارد می‌سازد. این کنترل شامل انتظاراتی است که گروه از اعضا در ایفای نقش‌های مقرر دارد و نیز رعایت همه قوانین، ضوابط و هنجارهایی است که سبب بالا رفتن ارزش و مقام فرد نزد گروه می‌گردد.

فشار داخلی اجزای خود هستند که به شخص قدرت و انگیزه مقاومت در مقابل محرک‌های کجروی، که خواه ناخواه زمانی آن را تجربه خواهد کرد، می‌دهد. معمولاً ترکیبی از کنترل‌های داخلی و خارجی بکار می‌روند تا فرد را از فعالیت در راه‌های انحرافی باز دارند. هنگامی که این کنترل‌ها نتوانند بر روی یک فردی اعمال شوند، کجروی که نتیجه شکسته شدن کنترل‌های معمولی است پدید می‌آید (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۱).

هیرشی

هیرشی در دو تحقیق خود (۱۹۷۸-۱۹۶۹)، نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است، الگویی که گاه نیز با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود و پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند، از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. (فرضیه شماره یک ارتباط نگرش به قانون و قانون‌گریزی) اعتقاد فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین میزان پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت قوانین جامعه رابطه‌ای وجود دارد و این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

هیرشی معتقد است، انسان‌ها اگر بر اثر برخی از علقه‌های (پیوندها) اجتماعی نمی‌بود، گرایش به رعایت قوانین نداشتند و ملزم نبودند به آنها احترام گذارند. بدین سان می‌توان

دریافت که کجرفتاری نوجوانان نه تحت تأثیر انحصاری نامساعدترین محیطها است و نه برخاسته از کانونهای از هم پاشیده، زیرا تمام وابسته به شدت و ضعف علائق و روابط گوناگون اجتماعی است (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۳).

مرتون

به نظر مرتون، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی، به عنوان مهمترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است؛ یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست فرصتهای کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمانهای اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده، آن کس هم که دسترسی به ابزارهای مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۲). بنابراین مرتون عدم دستیابی مشروع به اهداف را عامل کجرفتاری و قانون‌گریزی آنها می‌داند (وندز زندن، ۱۹۹۶: ۱۳۸).

دیویس^۱ و ستاز^۲، از این نظریه مرتون نتیجه می‌گیرند که: «طبق انتظارات آنها احتمالاً طبقات پائین‌تری کارگری، انحراف و قانون‌گریزی بیشتری داشته باشند. این گروه هر روز تصویر شکوهمند کالاهای مادی را در وسایل ارتباط جمعی می‌بینند؛ اما دستیابی به آموزش و راههای ارتقاء برای کسب پول به منظور خریدن آن کالاها برای آنها امکان‌پذیر نیست (رفیع‌پور، ۱۳۸۹: ۲۱).

کوهن

فرض اصلی کوهن در تبیین قانون‌گریزی و کجرفتاری بر این است که افراد منحرف و بزهکار، آرمانها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند؛ ولی به علت شکست و

1- Davis.

2- Stasz.

یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی، دچار محرومیت شده و لذا آرمانهای موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزشها و هنجارهای دیگری برای بدست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه خرده فرهنگ بزهکاری بوجود می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۳).

کوهن مدعی است که فرزندان طبقات فرودست که مثل دیگر هم سن و سالان خود از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا در رقابت با همکلاسان طبقات بالاتر خود در می‌مانند ناکام و تحقیر می‌شوند و می‌بازند. به نظر کوهن، این فرزندان شکست خورده محروم از مدارس، مروج ارزش‌های طبقات برخوردار به همسایگی‌های محروم خود باز می‌گردند و برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دستیابی به منزلت، خرده فرهنگ بزهکاری‌ای تأسیس می‌کنند که نظام ارزشی آن درست نقطه مقابل نظام ارزشی طبقات برخوردار و فعالیت و رقابت در آن برای آنها ثمربخش است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۳).

از نگاه کوهن، ناهمسازی اهداف و ابزار مورد نظر مرتون به خودی خود، به کجرفتاری نخواهد انجامید، جز اینکه متغیر مداخله‌گری چون سرخوردگی و ناکامی منزلتی به معادله اضافه شود کوهن می‌گوید شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه ناکامی منزلتی موجب کجرفتاری می‌شود.

ساترلند

نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند^۱، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کجرفتاری اجتماعی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۴۸). ادوین ساترلند بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی و قانون‌گریزانه از طریق «معاشرت اغیار» با «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند «تبهکاران» آموخته می‌شود. او می‌گوید: برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه جنایت کرد (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

نکته اصلی نظریه ساترلند این است که رفتار غیر قانونی از طریق کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. افرادی که به قانون‌گریزی دست می‌زنند در «انتقال فرهنگ» خود، نه تنها تکنیکها و چگونگی انجام رفتار تخلف‌آمیز را می‌آموزند، بلکه انگیزه، سائق و توجیه رفتار تخلف‌آمیز را نیز منتقل می‌کنند. افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کجرفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نویانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کجرفتاران یا ایده‌های کجرفتاری) علت اصلی کجرفتاری آنهاست. ساترلند تأکید می‌کند نمونه این رفتار را می‌توان به صراحت در ادارات دولتی، در گمرک و بخصوص در رفتار مأموران شهرداری مشاهده نمود ولی حتی نمونه‌های جالب تری از انتقال فرهنگ را می‌توان از مشاهده رفتار ارباب رجوع در مراکز دولتی دریافت (صداقت، ۱۳۸۴: ۳۹ - ۳۷).

شاو و مک کی جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو در طی نیمه اول قرن بیستم گزارش‌هایی را فراهم آوردند که میزان‌های اعمال غیر قانونی و جرم را در شیکاگو توصیف نموده و فرآیندهایی را که طی آن ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و مجرمانه را توسعه و تداوم می‌بخشید مورد بحث قرار دادند. کار آنها به تحقیقی درباره میزان بزهکاری در شهر شیکاگو و ۲۰ شهر دیگر آمریکا در یک دوره زمانی بیش از ۳۰ سال منتهی گردید. این مطالعه همچنین در طی اواسط دهه ۱۹۶۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت (صداقت، ۱۳۸۴: ۴۴ - ۴۳).

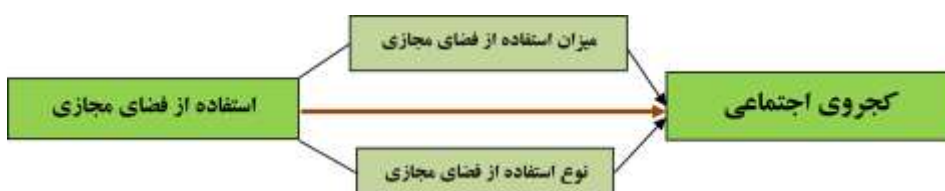
شاو و مک کی

مطالعات شاو و مک کی (۱۹۴۲)، عمدتاً تحت تأثیر اصول محیط‌شناسی انسانی که پارک بیان نموده بوده قرار گرفت. آنها رهیافت بوم‌شناسی نظریه بی‌سازمانی اجتماعی را زمانی که نسبت بیشتری از انحرافات و کجرفتاری‌ها در محله‌های خاصی از شهر رخ داده بود، توسعه دادند (کانتیلون و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۲۲).

شاو و مک کی، اصطلاح منطقه بزهکاری را ابداع کردند و می‌گویند که در محله‌های فقیرنشین شهرها، رفتار بزهکارانه یک الگوی عادی است. در چنین مناطقی جوانان ارزش‌ها و

رفتارهای کجرو را یاد می‌گیرند و درونی می‌کنند و در نتیجه جوانان بزهکار می‌شوند؛ زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می‌کنند که خود بزهکار و منحرف بوده‌اند (هورتون و چستر، ۱۹۸۴: ۱۷۲).

شاو و مک‌کی، خاطر نشان می‌سازند که میزان کجرفتاری با عوامل اقتصادی، دقیقاً تطبیق می‌کند. درآمدها از ناحیه یک به سمت ناحیه پنج به تدریج افزایش می‌یابد. نرخ بزهکاری به ترتیب از نواحی مرکزی به سمت نواحی کناری کاهش می‌یابد. آنان استدلال می‌کنند که تبهکاری در مناطق کم درآمد می‌تواند به عنوان یکی از راههایی بکار رود و یا کوششی باشد که از آن طریق افراد کم درآمد، به ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی که در فرهنگ عمومی، جزء آرمانها محسوب می‌شود و سایرین از راه‌های قانونی به آنها دست می‌یابند، نایل آیند. آنها در ارتباط با کجرفتاری و بزهکاری، اظهار می‌دارند که مناطق معینی، سالها و قرن‌ها متمادی، با تمرکز جرم روبرو بوده‌اند. این امر تا حدی به علت رشد هنجارها و ارزشهای انحرافی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شدند (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۹).



مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه شماره ۱: بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان کجروی اجتماعی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه شماره ۲: بین نوع استفاده از فضای مجازی و کجروی اجتماعی دانش آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به عنوان و ماهیت موضوع، روش ترکیبی است. در مرحله اول از روش اسنادی برای مطالعه و گردآوری داده‌های موجود در پرونده‌های انضباطی و مشاوره‌ای دانش‌آموزانی که به واحد مشاوره جهت حل مشکلات آنها ارجاع داده شده‌اند، استفاده گردید، در این رابطه پرونده‌های مشاوره و انضباطی ۳۰ دبیرستان بررسی شد پس از شناسایی و تعیین و مقوله‌بندی انواع کجروی‌ها به منظور تکمیل و تعمیق اطلاعات از روش پیمایشی استفاده شد. تکنیک گردآوری اطلاعات در روش پیمایشی یک پرسشنامه ای کتبی محقق ساخته بود که روایی آن توسط چند تن از سایر اساتید فن به صورت محتوایی و صوری تأیید گردید، پایایی آن به وسیله آلفای کرونباخ $\alpha = 0/78$ محاسبه گردید، این پرسشنامه در بین نمونه‌ای به حجم ۳۸۱ نفر از دانش‌آموزان نواحی سه گانه شهر کرمانشاه توزیع و جمع‌آوری شد. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده نسبتی بود و حجم نمونه توسط فرمول زیر تعیین گردید.

$$n = \frac{1.96^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{0.05^2} \left(1 + \left(\frac{1}{34733} \right) \left(\frac{1.96^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{0.05^2} - 1 \right) \right) n = \frac{384.16}{1.0074} = 381$$

محیط پژوهش در این پژوهش نواحی سه گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه و هریک از مدارس متوسطه دوره دوم در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود است.

تعریف مفهومی

فضای مجازی: در این تحقیق فضای مجازی به میزان استفاده دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه از فضای مجازی به ساعت در طی شبانه روز یا هفته و همچنین نوع استفاده افراد از شبکه‌های اجتماعی در سه بعد: الف) شناختی: شامل مباحث علمی و آموزشی؛ ب) ارتباطی: شامل دریافت خبر و فعالیت فرهنگی و ج) فراغتی که شامل استفاده‌های مفرح و سرگرمی می

باشد که در مولفه‌های پرسش نامه محقق ساخته با شاخص‌هایی نظیر: میزان ساعت استفاده از فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی.

کجروی اجتماعی: به منظور عملیاتی نمودن این متغیر، از نمراتی که آزمودنی‌ها در پاسخ پرسشنامه محقق ساخته که دارای شاخص‌هایی چون: اعتیاد به سیگار، تلقب در درس و آزمون‌های مدرسه‌ای، دزدی در محیط کلاسی و یا محیط منزل، پرخاشگری و درگیری و با دوستان، همکلاسی‌ها در محیط‌های اجتماعی، تماشای فیلم‌ها و تصاویر غیر مجاز، شرکت نمودن در پارتی‌های مختلط دوستانه، سعی در آسیب رساندن به اماکن عمومی نظیر مدرسه، باشگاه، پارک و نقض قوانین راهنمایی و رانندگی، فرار از مدرسه، سعی در دعوا و پرخاشگری با کوچکترین ناملایمت در برابر دیگران، درج اخطار کتبی در پرونده مشاوره و تحصیلی مدرسه از طرف مدیر، معاونین و یا مشاور مدرسه، بی‌احترامی به مدیر و معلم و ... استفاده می‌شود.

جدول ۱- تعریف عملیاتی

نوع متغیر	نام متغیر	مصادیق
متغیر وابسته	کجروی اجتماعی	علاقه و استفاده مداوم از سیگار، تلقب در درس و آزمون‌های مدرسه‌ای، میل به پرخاشگری و درگیری و با دوستان و همکلاسی‌ها در محیط‌های اجتماعی، تماشای فیلم‌ها و تصاویر غیر مجاز اسلامی، شرکت نمودن در پارتی‌های مختلط دوستانه، میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی نظیر مدرسه، باشگاه، پارک
متغیر مستقل	نوع و میزان استفاده از فضای مجازی	سه شاخص برای این متغیر در نظر گرفته شده است: میزان استفاده از فضای مجازی به ساعت در طی شبانه روز یا هفته نوع استفاده افراد از شبکه‌های اجتماعی در سه بعد الف) شناختی: شامل مباحث علمی و آموزشی ب) ارتباطی: شامل دریافت خبر و فعالیت فرهنگی، ج) فراغتی: شامل استفاده‌های مفرح و سرگرمی

یافته‌ها

آمار توصیفی

- توزیع فراوانی جنسیت دانش آموزان متوسطه دوم:

از بین ۳۸۱ نفر پاسخگوی مورد مطالعه ۱۶۸ نفر (۴۴٪) پسر و ۲۱۳ نفر (۵۶٪) نیز دختر بوده‌اند.

- توزیع فراوانی پایه‌های تحصیلی دانش آموزان دوره دوم متوسطه مورد مطالعه:

بر اساس اطلاعات ملاحظه می‌گردد ۷۸ نفر (۲۴/۴٪) از دانش آموزان در پایه دوم متوسطه، ۱۸۲ نفر (۵۶/۹٪) در پایه سوم متوسطه و ۶۰ نفر (۱۸/۷٪) نیز در پایه پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل هستند.

- توزیع فراوانی رشته تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوره دوم مورد مطالعه:

مطابق اطلاعات به دست آمده ملاحظه می‌گردد رشته تحصیلی ۱۱۲ نفر (۳۲/۹۴٪) از دانش آموزان متوسطه ریاضی فیزیک و ۸۸ نفر (۲۵/۸۹٪) علوم تجربی، ۷۴ نفر یعنی (۲۱/۷۶٪) علوم انسانی، ۳۶ نفر یعنی (۱۰/۵۹٪) فنی حرفه‌ای و ۳۰ نفر از آنان یعنی (۸/۸۲٪) نیز در رشته کار و دانش مشغول به تحصیل بوده‌اند.

- آمار توصیفی میزان استفاده از فضای مجازی در بین دانش آموزان

برابر اطلاعات جدول زیر ملاحظه می‌شود که ۷۶ نفر (۱۹/۹۴٪) از دانش آموزان کمتر از یک ساعت، ۲۸۵ نفر (۷۴/۸۰٪) از آنان بین یک تا سه ساعت، ۱۵ نفر (۳/۹۳٪) بین سه تا پنج ساعت و ۵ نفر (۱/۳۳٪) بیشتر از پنج ساعت در روز از فضای مجازی استفاده نموده‌اند.

جدول ۲- توزیع فراوانی مدت زمان استفاده روزانه از فضای مجازی

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از یک ساعت	۷۶	٪۱۹/۹۴	٪۱۹/۹۴
بین یک تا سه ساعت	۲۸۵	٪۷۴/۸۰	٪۹۴/۷۴
بین سه تا پنج ساعت	۱۵	٪۳/۹۳	٪۹۸/۶۷
بیشتر از پنج ساعت	۵	٪۱/۳۳	۱۰۰
کل	۳۸۱	٪۱۰۰	

- آمار توصیفی نوع استفاده از فضای مجازی در بین دانش آموزان

برابر اطلاعات به دست آمده ملاحظه می شود ۳۶ نفر (٪۹/۴۴) از دانش آموزان متوسطه استفاده شناختی، ۲۲۱ نفر (٪۵۸) از آنان استفاده ارتباطی و ۱۲۴ نفر (٪۳۲/۵۶) استفاده فراغتی از فضای مجازی نموده اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی نوع استفاده دانش آموزان از فضای مجازی

متغیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
شناختی	۳۶	٪۹/۴۴	٪۹/۴۴
ارتباطی	۲۲۱	٪۵۸	٪۶۷/۴۴
فراغتی	۱۲۴	٪۳۲/۵۶	٪۱۰۰
کل	۳۸۱	٪۱۰۰	

- آمار توصیفی وضعیت کجروی اجتماعی

جدول ۴- توزیع پراکندگی وضعیت موجود کجروی در بین دانش آموزان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	درصد
میزان علاقه به استفاده از سیگار	۳۸۱	۷۴/۴۶	۱۱/۹۳	-۱/۲۳	۶	۳۰	۵۶	۶۶
تمایل به تقلب در آزمون‌های درسی	۳۸۱	۳۰/۰۳	۵/۵۸	-۱/۳۱	۹	۳۵	۲۶	۶۴
میل به پرخاشگری و درگیری	۳۸۱	۴۶/۰۸	۹/۰۰۴	-۱/۱۷	۱۲	۵۵	۴۳	۶۲
شرکت در پارتی مختلط دوستانه	۳۸۱	۳۰/۲۷	۵/۸۲	-۱/۳۴	۷	۳۵	۲۸	۶۴
تماشای فیلم و نصاب غیرمجاز اسلامی	۳۸۱	۵۵/۲۷	۱۱/۱۳	-۱/۲۵	۱۳	۶۵	۵۲	۶۱
میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی	۳۸۱	۵۳/۴۴	۸/۹	-۱/۵۵	۱۶	۶۰	۴۴	۶۷
کجروی دانش آموزان متوسطه دوم	۳۸۱	۲۸۹/۵۸	۴۷/۳۶	-۱/۱۷	۹۸	۳۳۵	۲۳۷	۶۴

برابر اطلاعات به دست آمده ملاحظه می‌شود که نمره میانگین مؤلفه میزان علاقه به استفاده از سیگار ۷۴/۴۶ است. به طوری که کمترین نمره ۶ و بیشترین آن ۳۰ است، در واقع وضعیت میزان علاقه به استفاده از سیگار متوسط به بالا و ۶۶٪ است؛ نمره میانگین مؤلفه تمایل به تقلب در آزمون‌های درسی ۳۰/۰۳ است. به طوری که کمترین نمره ۹ و بیشترین آن ۳۵ است، در واقع وضعیت تمایل به تقلب در آزمون‌های درسی متوسط به بالا و ۶۴٪ است؛ نمره میانگین مؤلفه میل به پرخاشگری و درگیری ۴۶/۰۸ است، به طوری که کمترین نمره ۱۲ و بیشترین آن ۵۵ است، در واقع وضعیت میل به پرخاشگری و درگیری در حد متوسط به بالا و ۶۲٪ است؛ نمره

میانگین مؤلفه شرکت در پارتی‌های مختلط دوستانه ۳۰/۲۷ است، به طوریکه کمترین نمره ۷ و بیشترین آن ۳۵ است. در واقع وضعیت شرکت در پارتی‌های مختلط دوستانه متوسط به بالا و ۶۴٪ است؛ نمره میانگین مؤلفه تماشای فیلم و تصاویر غیرمجاز ۵۵/۲۷ است، به طوریکه کمترین نمره ۱۳ و بیشترین آن ۶۵ است. در واقع وضعیت تماشای فیلم و تصاویر غیرمجاز متوسط به بالا و ۶۱٪ است؛ نمره میانگین وضعیت میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی ۵۳/۴۴ است، به طوریکه کمترین نمره ۱۶ و بیشترین آن ۶۰ است. در واقع میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی متوسط به بالا و ۶۷٪ است و در مجموع نمره میانگین کجروی دانش آموزان متوسطه دوم ۲۸۹/۵۸ است، به طوریکه کمترین نمره ۹۸ و بیشترین آن ۳۳۵ است. در واقع کجروی دانش آموزان متوسطه دوم در حد متوسط به بالا و ۶۴٪ است. پس می‌توان نتیجه گرفت که از بین مولفه‌های کجروی اجتماعی به ترتیب میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی، میزان علاقه به استفاده از سیگار، تمایل به تقلب در آزمون‌های درسی، شرکت در پارتی مختلط دوستانه، میل به پرخاشگری و درگیری و تماشای فیلم و تصاویر غیرمجاز در بین دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهر کرمانشاه به ترتیب بالاترین میزان برخوردار بودند.

اولویت بندی کجروی اجتماعی در بین دانش آموزان

جهت رتبه بندی و اولویت کجروی اجتماعی دانش آموزان از آزمون فریدمن استفاده شده و بر آن اساس ملاحظه می‌گردد که به ترتیب مؤلفه میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی با ۵/۹۷ بیشترین رتبه، علاقه به استفاده از سیگار ۴/۶۶ با رتبه دوم، تقلب در آزمون‌های درسی ۴/۱۶ با رتبه سوم، شرکت در پارتی‌های دوستانه ۳/۱۶ با رتبه چهارم، میل به پرخاشگری و درگیری ۱/۵۵ در رتبه پنجم و مؤلفه تماشای فیلم و تصاویر غیرمجاز اسلامی با ۱/۵۱ کمترین رتبه را دارا است و مطابق جدول زیر مقدار $1371/69 = \chi^2$ با سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ $p =$ و زیر ۰/۰۵ این اولویت بندی معتبر است.

جدول ۵- مربوط به رتبه بندی کجروی دانش آموزان متوسطه دوم

میانگین رتبه	عوامل
۵/۹۷	میل به آسیب رساندن به اماکن عمومی
۱/۵۱	تماشای فیلم و تصاویر غیرمجاز اسلامی
۳/۱۶	شرکت در یارتی‌های دوستانه
۱/۵۵	میل به پرخاشگری و درگیری
۴/۶۶	علاقه به استفاده از سیگار
۴/۱۶	تقلب در آزمون‌های درسی

جدول ۶- مربوط به نتیجه آزمون فریدمن

تعداد	۳۰۰
χ ^۲	۱۳۷۱/۶۹
درجه آزادی	۵
P	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول: بین نوع استفاده از فضای مجازی و کجروی اجتماعی دانش آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

بر اساس آزمون همبستگی پیرسون ملاحظه می‌گردد سطح معنی داری آزمون $0/000 = p$ که زیر $0/05$ و مقدار $\Gamma = 0/377$ است. بنابراین فرضیه تحقیق قبول می‌شود و بین دو متغیر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. و طبق نمودار خطی رگرسیون انجام گرفته ضریب تعیین $R^2 = 0/14$ است، یعنی از روی میزان نوع استفاده از فضای مجازی به میزان ۱۴ درصد می‌توان کجروی دانش آموزان متوسطه را پیش بینی نمود.

جدول ۷- همبستگی بین نوع استفاده از فضای مجازی با کجروی دانش آموزان

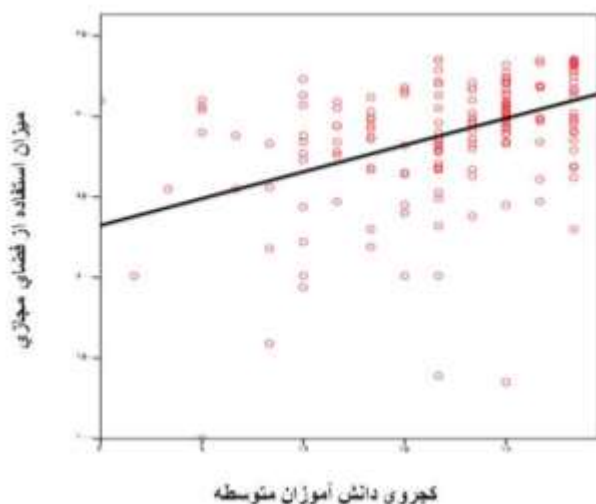
متغیرها	کجروی دانش آموزان
نوع استفاده از فضای مجازی	$r = ۰/۳۷۷$ $p = ۰/۰۰۰$ $n = ۳۸۱$

آزمون فرضیه دوم: بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان کجروی اجتماعی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

بر اساس آزمون همبستگی پیرسون و طبق اطلاعات ملاحظه می گردد سطح معنی داری آزمون $p = ۰/۰۰۰$ و زیر $۰/۰۵$ و مقدار $r = ۰/۴۵۵$ است. بنابر فرضیه پژوهش بین دو متغیر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد و طبق نمودار خطی رگرسیون انجام گرفته ضریب تعیین $R^2 = ۰/۱۹$ است، یعنی از روی میزان استفاده از فضای مجازی به میزان ۱۹ درصد می توان کجروی دانش آموزان متوسطه را پیش بینی نمود.

جدول ۸- همبستگی بین میزان استفاده از فضای مجازی با کجروی دانش آموزان

متغیرها	کجروی دانش آموزان
میزان استفاده از فضای مجازی	$r = ۰/۴۴۵$ $p = ۰/۰۰۰$ $n = ۲۳۰$



نمودار ۱- همبستگی بین میزان استفاده از فضای مجازی با کجروی دانش آموزان

نتیجه‌گیری

بر اساس اطلاعات به دست آمده از روش‌های پیمایشی و اسنادی چنین می‌توان گفت که بین میزان و نوع استفاده از فضای مجازی با میزان گرایش به کجروی و همچنین ارتکاب کجروی ارتباط مستقیمی وجود دارد. این یافته‌ها از دو طریق به دست آمده است. در مرحله اول اطلاعات از طریق روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته به دست آمد و در مرحله دوم با استفاده از روش اسنادی داده‌های مورد نیاز پژوهش برای سنجش متغیرهای وابسته و ارتباط آنها با متغیر مستقل از دفاتر انضباطی و مشاوره‌ای استخراج و مقوله بندی شدند. اطلاعات به دست آمده از روش اسنادی، یافته‌های به دست آمده از روش پیمایشی را تایید نمود. در واقع داده‌های به دست آمده از روش پیمایش، با داده‌ها و اطلاعات مقوله بندی شده روش اسنادی همسو و مکمل بودند و در تعمیق یافته‌های معنی دار، هر دو روش نقش مکمل داشتند.

با توجه به بنیان‌های نظری پژوهش چنین می‌توان نتیجه گرفت که فضای مجازی علاوه بر نقش اثرگذاری که رسانه‌های جمعی دارند به دلیل خاصیت تعاملی و امکان فعالیت کاربر در زمینه‌های دلخواه و عدم کنترل اجتماعی که به نوعی احساس آزادی کاذب را به کاربران القاء

می‌نماید، اثر وافر و غیر قابل انکاری را بر نگرش و به تبع آن بر رفتار کاربران دارد، بر اساس نظریه دوجوانی چنین می‌توان استنباط نمود که تداوم فعالیت در فضای مجازی همراه با احساس آزادی و فارغ از کنترل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، سبب می‌شود تا فرد به ارزش‌ها و هنجارهای جدید عادت نموده و تحت تاثیر نگرش جدید خود طبق ارزش‌ها و هنجارها جهان مجازی در جهان واقعی عمل نماید در واقع ارزش‌ها و هنجارهای فضای مجازی به جهان اجتماعی سرایت نموده و ارزش‌های و هنجارهای جهان واقعی فرد را شکل می‌دهند. از آنجا که ضد ارزش‌ها و هنجارگریزی‌ها در فضای مجازی به دلیل عدم کنترل اجتماعی بسیار است، تداوم حضور و فعالیت آزادانه افراد در این فضا در مرحله اول زمینه تغییر نگرش در آنها را فراهم می‌سازد و در مراحل بعد گفتار و رفتار آنها را منطبق با ساختارهای منعطف و ساختار شکنانه فضای مجازی می‌سازد، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که افرادی که از فضای مجازی بیشتر استفاده نموده اند گرایش به ارتکاب کجروهای مختلف را داشته اند، به طوریکه بین میزان استفاده و نوع استفاده از فضای مجازی با میزان گرایش و میزان ارتکاب به کجروی‌های اجتماعی همبستگی مستقیم متوسطی بوده است. این یافته تاییدی بر نظریه‌هایی است که اثر رسانه‌ها را بر شناخت و رفتار مخاطب و کاربر مورد تایید قرار داده اند.

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی و یحیی امامی. (۱۳۸۳). تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۱.
- ۲- احمدی، حبیب. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- ۳- اسلوین، جیمز. (۱۳۸۱). اینترنت و جامعه. ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه. تهران: نشر کتابدار.
- ۴- امیدوار، احمدعلی، و صارمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). اعتیاد به اینترنت: توصیف، سبب‌شناسی، پیشگیری، درمان و مقیاس‌های سنجش اختلال اعتیاد به اینترنت، مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی پردیس، مشهد: انتشارات تمرین.
- ۵- پیوزی، مایکل. (۱۳۷۹). یورگن هابرماس، ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.

- ۶- دهقان، علیرضا و نیکبخش، مرصده. (۱۳۸۵). مطالعه شیوه رفتار افراد در محیط مجازی: شکل‌گیری روابط صمیمانه در اتاق‌های گپ زنی اینترنت، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۶.
- ۷- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۹). آناتومی جامعه (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۸- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی نوین ارتباطات؛ رسانه‌ها در جهان امروز، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۹- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان. فصلنامه جامعه‌شناسی ایران. شماره ۱۴. تابستان.
- ۱۰- صداقت، کامران. (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
- ۱۱- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: سمت.
- ۱۲- صفوی، امان‌اله. (۱۳۷۰). تئوری‌های انحراف. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. سال دوم و سوم. شماره‌های ۶، ۷، ۸، ۹.
- ۱۳- کوئن، بروس. (۱۳۸۶). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات توتیا.
- ۱۴- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۸۷). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- ۱۵- کوهن، آرتور، (۱۳۷۸)، تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی، ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۱۶- گسن، ریمون. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: انتشارات مترجم.
- ۱۷- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

۱۸- منتظر قائم، مهدی و احسان شاقاسمی. (۱۳۸۷). اینترنت و تغییرات اجتماعی در ایران، نگاهی فرا تحلیلی با تأکید بر جوانان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.

- 19- Cantillon Dan, William S. Davidson, John H. Schwietzer. (2003). Measuring community social organization: Sense of community as a mediator in social disorganization theory. *Journal of criminal justice*. No.31
- 20- Holmes, David. (2005). *Communication theory: media, technology and society*. London, Sage Publications.
- 21- Maltz, Michael. (1984). *Recidivism*. New york: Academic press, INC.
- 22- Vander zanden James W.(1996). *Sociology. The core, four edition*. Singapore. MC Graw- Hill.